

مسلم طوق، حقوق دان و مدرس دانشگاه

در گفت‌وگو با «شرق» از اختیارات فراقانونی دولت ذیل ماده ۷۵ برنامه هفتم توسعه می‌گوید:

ظاهر و باطن جامعه «دربست» در اختیار دولت



عکس: فاطمه غایبی/ایران

(بند ۱ اصل سوم قانون اساسی). به این معنا که با مظاهر فساد و تباهی‌ی مقابله و مبارزه کند تا از این طریق، مردم در مسیر صحیح رشد قرار گیرند. قانون اساسی از دولت می‌خواهد که سطح آگاهی‌های عمومی را در همه زمینه‌ها بالا ببرد (بند ۲ اصل سوم قانون اساسی) و روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی را از طریق تأسیس مراکز تحقیقاتی و تشویق محققان، تقویت کند (بند ۴ اصل سوم قانون اساسی). بندهای مختلف اصل سوم قانون اساسی به‌روشنی وظایف دولت را در سطح تمهید مقدمات تعریف می‌کند و نه مداخله و تلقین مستقیم. این فرق می‌کند با وضعیتی که در آن، دولت بخواهد «خلاق قدرت‌مآبانه» خود را بر جامعه تحمیل کند یا بخواهد «جایگزین و جانشین مردم» در انتخاب راه و رسم زندگی شود.

♦ **همان‌طورکه در متن ماده می‌بینید، در قانون برنامه هفتم خیلی مهم به این مسئله مهم پرداخته شده است. معلوم نیست میزان دسترسی به پایگاه‌های داده تا چه میزان است و چه پایگاه‌های داده‌ای قرار است در اختیار دولت‌ها قرار بگیرد. چنین ابهامی چه خطراتی در فضای قانون‌گذاری دارد؟**

حتی بر فرض پذیرش چنین اختیاری برای دولت و مطلوب‌بودن آن، اصول و قواعد آن باید در قانون‌گذاری رعایت شود. بند (ب) ماده ۷۵ لایحه برنامه هفتم توسعه که به



نهاد صالح و مناسب برای انجام این بررسی و مطالعه، مراکز پژوهشی و مطالعاتی «مستقل از دولت و مجموعه‌های دولت» است. فاصله‌گرفتن از این استقلال، به معنای مهندسی اجتماعی و مداخله در حیات جمعی است و اینکه چنین امری در حیطه صلاحیت دولت قرار گیرد، مورد تردید است. در حقیقت اینکه بخواهیم امکانات و ابزارهای قانونی برای رصد دائمی، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی و سبک زندگی مردم را در اختیار دولت قرار دهیم، به یک معنا مداخله غیرموجه در حیات اجتماعی است.

سامان موحدی‌راد: ماده ۷۵ برنامه هفتم توسعه که درحال حاضر در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است، سازوکار قانونی ورود به حریم خصوصی شهروندان در فضای مجازی را فراهم می‌کند. در این ماده بیان شده که وزارت ارشاد برای رصد شاخص‌های سبک زندگی ایرانی اسلامی باید سامانه‌ای تهیه کرده و دیتاهای این سامانه را هم از پایگاه‌های داده در کشور جمع‌آوری کند. بند «ب» ماده ۷۵ برنامه توسعه به‌صراحت می‌گوید: «به منظور احصای دقیق و برخط داده‌های آماری مورد نیاز به جهت تسهیل پردازش، تحلیل دقیق و ایجاد زمینه مناسب برای آینده‌پژوهی روندهای سبک زندگی جامعه ایرانی و همچنین انتشار آنها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هماهنگی مرکز آمار ایران مکلف است نسبت به راه‌اندازی سامانه رصد، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی و سبک زندگی مردم اقدام کند. دستگاه‌های اجرایی و دارندگان پایگاه‌های داده موضوع این بند، موظف‌اند نسبت به ارائه مستمر و جامع داده‌ها به این سامانه به صورت برخط اقدام کنند». همان‌گونه که در این بند می‌خوانیم، نه مشخص است که منظور از «دارندگان پایگاه‌های داده» تا چه حد و مرزی است و آیا شرکت‌های خصوصی و اساتذت‌پ‌های ایرانی را در بر می‌گیرد یا نه و نه مشخص است که دولت به چه سطحی از اطلاعات نیازمند است. برای نمونه آیا آنها قرار است از اپلیکشن‌های تاکسی‌های اینترنتی آمار مسافرت‌های داخل شهری شهروندان را دریافت کنند تا ببینند مردم چه تفریحاتی را برای پایان هفته می‌پسندند؟ اگر این بند با همین ابهامات در میزان مداخله دولت در داده‌های شخصی کاربران تصویب شود، معلوم نیست در مقام اجرا کار به کجا برسد و آنها به چه سطحی از اطلاعات دسترسی داشته باشند. به جز این مسئله اصل ماجرا نقض حقوق عمومی شهروندان است: شهروندانی که قانون اساسی به‌صراحت درباره حفظ حریم شخصی‌شان تأکید کرده است. با مسلم طوق، حقوق دان، مدرس دانشگاه و وکیل دادگستری، درباره ابراه‌های حقوقی این ماده از منظر حقوق عمومی گفت‌وگو کردیم.

♦ ♦ ♦

♦ **این سطح از مداخله دولت در امور خصوصی شهروندان امری طبیعی است؟ آیا وظیفه پایش سبک زندگی شهروندان بر عهده دولت‌هاست؟**

صرف آگاهی از سبک زندگی در یک کشور و بررسی و مطالعه روی آن، نه‌تنها مطلوب، بلکه لازم است و انتظار می‌رود چنین بررسی‌ها و مطالعاتی صورت گیرد. در حقیقت «جامعه» همواره باید مورد رصد و بررسی باشد تا بتوان با شناخت تغییرات و تحولاتی که در ابعاد مختلف آن صورت می‌گیرد، متناسب با آن تغییرات و تحولات برنامه‌ریزی و اقدام کرد. اما نکته مهم‌تر این است که نهاد صالح و مناسب برای انجام این بررسی و مطالعه، مراکز پژوهشی و مطالعاتی «مستقل از دولت و مجموعه‌های دولت» است. فاصله‌گرفتن از این استقلال، به معنای مهندسی اجتماعی و مداخله در حیات جمعی است و اینکه چنین امری در حیطه صلاحیت دولت قرار گیرد، مورد تردید است. در حقیقت اینکه بخواهیم امکانات و ابزارهای قانونی برای رصد دائمی، پایش و سنجش مستمر شاخص‌های فرهنگ عمومی و سبک زندگی مردم را در اختیار دولت قرار دهیم، به یک معنا مداخله غیرموجه در حیات اجتماعی است.

♦ **در قانون اساسی آیا چنین نگاهی وجود دارد؟ یعنی برای دولت وظیفه‌ای تعیین شده تا سبک زندگی مردم را پایش کند؟ آن‌هم با این کیفیت؟**

نگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نگاه صحیح‌تر و مترقی‌تری است. براساس این وظایف دولت در قبال سبک زندگی مردم و فرهنگ عمومی، «نگاه غیرمداخله‌گر و تمهیدی» است. قانون اساسی از دولت می‌خواهد به «ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل اخلاقی» در جامعه بپردازد

♦ **جدول ۴۶۰۷ طرح: بیژن گورانی**

افتی:

۱- شکیبایی- فهمیدن سخنان یکدیگر- خمیرمایه
۲- تغییر حالت مایع به جامد- از برجسته‌ترین چهره‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای ایران ۳- نشان افتخار- ایما- لایه محافظ دندان ۴- برانگیختن- هر چیز نایاب و دست‌نیافتنی- فرمان سکوت ۵- کلی که در مرداب می‌شکفت- درسی که به دانش‌آموزان آموزش نپسندگی می‌دهد- یازده ۶- نوعی بازی محلی- ترکیب شیمیایی آبدار- رمان مشهور رضا امیرخانی ۷- نکبوش جوادان ماند- کج و خمیده- بزنبه‌ادر ۸- فصل پاییز- پاکان- از مقام‌های کلیسایی ۹- نوعی ماهی استخوانی دریای خزر- جانشینان- جزیره‌ای در یونان ۱۰- بالاترین درجه دانشگاهی- غده فوق کلیوی- ضمیر غایب ۱۱- گشاده- صاحب‌شدن- در ساختمان‌سازی به کار می‌رود ۱۲- مقابل آمد- خوشانودان- انبازه ۱۳- حاجت- برافروخته- نیم‌گرم ۱۴- کتاب خاطرات دوران اسارت معصومه آباد- نوعی شیرینی شبیه زله ۱۵- نسبت‌دادن خطا- عصرانه سنتی قزوینی‌ها- تاب

و توان

عمودی:

۱- خاموش و بی‌صدای- چانه- چشم‌انداز ۲- آنکه به زبردستان لطف و مهربانی می‌کند- جایی دارای امکانات کامپیوتری برای استفاده از اینترنت ۳- رئیس‌جمهور شهید- نمونک- جدید ۴- نوعی تزیین روی پارچه- برباری- از گناهان کبیره ۵- خمیدگی کاغذ- جست‌وجوگر- اشاره- خون ۶- ازخودگذشتن- حکومت اتحادیه‌ای- مقدار کمی از غذا ۷- شیرین‌سخن- از علانم نگارشی ۸- خواهر اسفندیار در شاهنامه- بیج‌وخم‌های

یادداشت

بازماندگان از تحصیل و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹

ثبت‌نام و موارد مشکوک به ترک تحصیل اطفال و نوجوانان تا پایان دوره متوسطه به سازمان بهزیستی کشور و با دفتر حمایت از اطفال و نوجوانان قوه قضائیه ۲-... ۳-... انجام اقدامات لازم جهت ثبت‌نام و پوشش تحصیلی کامل اطفال و نوجوانان موضوع این قانون تا پایان دوره متوسطه؛ ۴-... اما در ارتباط با شخصی که در راه تحصیل دانش‌آموز مانع ایجاد می‌کند، ماده ۷ این قانون چنین مقرر می‌دارد «هریک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان و تمام اشخاصی که مسئولیت نگهداری، مراقبت و تربیت طفل را بر عهده دارند، چنانچه برخلاف مقررات قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۴/۳۰ از ثبت‌نام و فراهم‌کردن موجبات تحصیل طفل و نوجوان واجد شرایط تحصیل تا پایان دوره متوسطه امتناع کنند یا به هر نحوی از تحصیل او جلوگیری کنند، به انجام تکلیف یادشده و جزای نقدی درجه هفت قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند». رسیدگی به جرم موضوع ماده ۷ این قانون در صلاحیت مستقیم دادگاه کیفری دو است.

مطابق ماده ۳۰ این قانون «علاوه بر جهت قانونی برای شروع به تعقیب موضوع قانون آیین دادرسی کیفری، موارد زیر نیز از جهت قانونی برای شروع به تعقیب یا اتخاذ تدابیر حمایتی مقرر در این قانون می‌باشد: الف) تقاضای طفل و نوجوان؛ ب) گزارش‌ها و درخواست‌های مکتوب یا شفاهی». حتی از ناحیه افراد ناشناس. متن قانون روشن است. اگر دادگاه کیفری ۲ به هر طریقی (ولو با درخواست خود دانش‌آموز، ولو اینکه دانش‌آموز طفل باشد) از ترک تحصیل یا عدم ثبت‌نام دانش‌آموز مطلع شد، ضمن مجازات شخص مسئول، او را وادار به «انجام تکلیف» (فراهم‌کردن موجبات ادامه تحصیل) می‌کند.

مواد ۲۹ و ۳۶ همین قانون، اختیارات مشابهی برای مقام دادستانی و نیز دادگاه خانواده پیش‌بینی کرده‌اند و هر یک از این دو مرجع هم می‌توانند دستور فوری قضائی برای انجام ثبت‌نام دانش‌آموز یا رفع مانع ادامه تحصیل او صادر کنند. تأکید می‌شود که تمرکز این نوشته بر تکالیف و اختیارات سه مرجع قضائی (یعنی دادگاه کیفری دو، دادستان و دادگاه خانواده) در ارتباط با بازماندگان از تحصیل است اما همان‌طورکه اشاره شد قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ تکالیف متعدد دیگری در ارتباط با بازماندگان از تحصیل برای سایر نهادها پیش‌بینی کرده است که برای آگاهی از آنها باید به متن قانون مذکور مراجعه کرد.

مواد بررسی‌شده در قانون مذکور از دو جهت قابل توجه است. نخست آنکه خود دانش‌آموز، هر یک از والدین، آموزش و پرورش، بهزیستی، سازمان‌های مردم‌نهاد و هر شخص حقیقی و حقوقی (مشخص یا ناشناس) می‌توانند از سه مرجع قضائی فوق (دادگاه کیفری ۲، دادستانی و دادگاه خانواده) درخواست رسیدگی فوری و صدور دستور جهت ثبت‌نام دانش‌آموز یا رفع مانع ادامه تحصیل او را بخواهند. این اختیار قانونی مخصوصا به هر یک از والدین دانش‌آموز امکان می‌دهد تا صرف‌نظر از سن، جنسیت و داشتن یا نداشتن حق ولایت و حضانت، مسئله ثبت‌نام و رفع مانع ادامه تحصیل دانش‌آموز را به عنوان یک موضوع مستقل از مرجع قضائی درخواست کنند. به این ترتیب، ثبت‌نام و ادامه تحصیل دانش‌آموز، گرفتار پیچیدگی‌های حقوقی پرونده‌های زمان‌بر طلاق و حضانت نخواهد شد. دوم آنکه هر یک از سه مرجع قضائی ذکرشده باید با تکلیف قانونی خود در ارتباط با موضوع ثبت‌نام و ادامه تحصیل دانش‌آموز آشنایی داشته باشند و دخالت فوری قضائی در مسئله ثبت‌نام دانش‌آموز را منوط به مسائل دیگری از قبیل حضانت وی نکنند. به‌ویژه آنکه با توجه به سال تصویب این قانون، هنوز ساز و کار قضائی روشنی درمورد رویه اجرای آن محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود». ماده ۵ این قانون به دادستان اختیار مداخله قضائی جهت حمایت از «طفل و نوجوان» را داده است. مطابق بند چ ماده ۴ این قانون: «وزارت آموزش و پرورش مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد: ۱- اعلام موارد عدم



ایمان دمیری

قاضی خانواده

بازماندن دانش‌آموزان از تحصیل دلایل متعددی دارد. از ناتوانی خانواده‌ها در تأمین هزینه‌های تحصیل تا رهاشدگی فرزندان و معضل کودکان کار. در سال‌های اخیر و با افزایش آمار زندگی جداگانه والدین، دلیل دیگری به دلایل بازماندن دانش‌آموزان از تحصیل اضافه شده است و آن هم عدم همکاری والدین جهت انجام امور ثبت‌نام و ادامه تحصیل فرزندان است؛ والدینی که قبل از طلاق یا بعد از طلاق جدا از هم زندگی می‌کنند معمولاً درباره نحوه تحصیل فرزند مشترک اتفاق نظر ندارند و چه بسا حق ثبت‌نام و تحصیل فرزند را بازپچه لج‌بازی و ابزار انتقام‌جویی از یکدیگر قرار دهند.

در چنین شرایطی ابهام و پیچیدگی‌های قانونی هم بر بلا تکلیفی دانش‌آموز و مدرسه می‌افزاید. هیچ قانونی دارنده حق ثبت‌نام دانش‌آموز را مشخص نکرده است. اگر والدین جدا از هم زندگی کنند، ممکن است ولایت دانش‌آموز با پدر و حضانت دانش‌آموز با مادر باشد. محدوده اختیارات ناشی از ولایت و اختیارات ناشی از حضانت روشن نیست. مشخص نیست که حق ثبت‌نام و انتخاب محل تحصیل فرزند، از اختیارات مربوط به ولی دانش‌آموز است یا از اختیارات مربوط به دارنده حق حضانت دانش‌آموز. تازه همه این ابهامات مربوط به زمانی است که دانش‌آموز در سن حضانت باشد. مطابق قانون، فرزند دختر با پایان ۹ سالگی (قمری) و فرزند پسر با پایان ۱۵ سالگی (قمری) از سن حضانت و ولایت خارج می‌شوند و موضوع دارنده حق ثبت‌نام این فرزند باز هم پیچیده‌تر از قبل می‌شود.

مدیر مدرسه‌ای که به احتمال زیاد تحصیلات تخصصی حقوقی هم ندارد، در مواجهه با چنین مشکلی باید الگوریتم بسیار پیچیده‌ای از متغیرهای متعدد حقوقی را پیاده کند تا دارنده حق ثبت‌نام دانش‌آموز را مشخص کند. اینکه دانش‌آموز چند سال دارد و اینکه پسر است یا دختر و اینکه آیا طفل محسوب می‌شود یا خیر و آیا حکمی از دادگاه درباره حضانت وی صادر شده است یا خیر و آیا والدین طلاق گرفته‌اند یا خیر و آیا در حکم طلاق تکلیف حضانت مشخص شده است یا خیر. در نهایت هم موضوع بسته به سلیقه و برداشت شخصی مدرسه مربوطه از قانون خواهد بود. مشخص است که بررسی چنین موضوعات پیچیده‌ای از حوصله مدرسه خارج است. نتیجه این امر عدم تمایل و همکاری مدارس برای ثبت‌نام چنین دانش‌آموزانی با هدف دورماندن از عواقب و مسئولیت‌های احتمالی حقوقی و قانونی بعدی است.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ تلاشی است برای رفع این خلأ قانونی. یکی از ابتکارات این قانون، عبور از مرزبند طفل/بالغ و تعیین سن «تا ۱۸سالگی تمام شمسی» به عنوان سن «نوجوانی» است.

مطابق ماده ۲ این قانون «تمام افرادی که به سن ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده‌اند، مشمول این قانون می‌باشند». این ماده مشخصاً تلاشی است برای یکدست‌کردن وضعیت حقوقی افراد زیر ۱۸ سال صرف‌نظر از اختلاف در جنسیت و همچنین صرف‌نظر از اینکه شخص زیر ۱۸ سال طفل محسوب می‌شود یا خیر. در مواد دیگر این قانون تکالیفی برای نهادهای مختلف از جمله قوه قضائیه و آموزش و پرورش در ارتباط با تحصیل طفل و نوجوان پیش‌بینی شده است. مطابق بند چ ماده ۳ این قانون، بازماندن طفل از نوجوان از تحصیل «وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت قانونی از طفل و نوجوان می‌شود». ماده ۵ این قانون به دادستان اختیار مداخله قضائی جهت حمایت از «طفل و نوجوان» را داده است.

مطابق بند چ ماده ۴ این قانون: «وزارت آموزش و پرورش مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد: ۱- اعلام موارد عدم

۹	۱	۲	۷	۳	۶	۸	۴
۷	۵	۳	۱	۸	۹	۲	۶
۶	۸	۴	۵	۹	۷	۳	۱
۲	۹	۸	۴	۱	۷	۵	۶
۳	۴	۵	۶	۲	۸	۱	۷
۱	۷	۵	۹	۳	۴	۸	۲
۸	۶	۱	۳	۴	۵	۲	۷
۵	۳	۱	۹	۷	۲	۶	۴

۷	۸	۴	۵	۳	۱	۲	۶
۶	۴	۵	۷	۱	۹	۸	۳
۳	۱	۷	۶	۸	۴	۷	۵
۴	۲	۱	۵	۷	۹	۶	۳
۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۷
۵	۳	۷	۴	۹	۶	۲	۸
۹	۵	۸	۲	۴	۱	۳	۷
۲	۶	۴	۵	۱	۹	۸	۳
۱	۷	۳	۹	۶	۸	۴	۵

♦ **حل جدول ۴۶۰۶**

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
د	ق	ی	ا	ل	ب	م	ز	ج	م	خ	م	م	م	م
ج	ک	ی	ز	ج	ل	و	ن	د	ک	س	ت	ر	ا	ی
و	ا	و	ب	ا	ر	ی	ا	ت	س	ز	ی	م	ن	ا
م	ن	ا	ف	ا	ت	ش	ا	ط	ر	ا	ا	ا	ا	ا
ب	ن	ر	ی	ا	ک	ت	ا	ب	د	ا	ر	ا	ا	ا
ل	ر	د	ی	ب	ی	ج	ا	ز	ر	ک	ر	ا	ا	ا
ا	ر	و	ب	ک	ش	ی	ک	ی	ا	ن	ا	ا	ا	ا
ج	ا	ب	ی	ر	م	ل	و	ن	د	ز	ن	ا	ا	ا
ا	ل	م	ی	ز	ا	ن	ا	ر	ا	ن	ا	ا	ا	ا
ک	ی	ه	ی	د	ر	ف	ش	ک	ا	ر	ا	ی	ا	ا
ا	ا	ا	ل	ا	ع	ل	ب	ج	و	ر	خ	ا	ا	ا
ن	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
د	ن	د	ا	ش	ت	ن	و	د	ا	ش	ن	ا	ا	ا
ر	و	ج	ی	ه	ی	م	ن	م	ت	ب	ی	ن	ا	ا

۷	۲	۳	۱	۵	۶	۴	۱
۹	۲	۱	۸	۶	۵	۳	۷
۱	۵	۶	۳	۹	۱	۲	۷
۴	۱	۲	۸	۷	۵	۳	۹
۵	۴	۱	۷	۸	۶	۳	۹
۴	۲	۳	۱	۵	۶	۴	۱

۹	۲	۶	۳	۵	۱	۷	۴
۴	۸	۱	۹	۵	۳	۶	۲
۳	۶	۹	۱	۵	۳	۷	۴
۵	۸	۱	۹	۳	۶	۷	۲
۸	۳	۶	۷	۱	۵	۲	۹
۲	۵	۶	۸	۱	۳	۷	۴

♦ **سودوکو سخت ۳۶۰۳**

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

♦ **سودوکو ساده ۳۶۰۳**

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.